

نام دختر جوان از فهرست اعدامی‌ها پاک شد

دختر جوانی که به طمع سرقت طلاهای زن سالخورده او را به قتل رسانده بود وقتی در فهرست اعدامی‌ها قرار گرفت با رضایت فرزندان مقتول به زندگی دوباره برگشت.

«ایران» نوشت: 13 مهر سال 98 بود که زن جوانی با پلیس تماس گرفت و از قتل مادر پیرش در خانه خبر داد. وی گفت: مادرم 82 سال داشت و به تنهایی در خانه‌ای حوالی نواب زندگی می‌کرد. برای او پرستاری خانگی گرفته بودیم و کارهای مادرم را انجام می‌داد. هشتم مهر زمانی که به مادرم زنگ زدم او پاسخ نداد و نگران شدم و به خانه مادرم رفتم. مادرم بی‌حال روی زمین افتاده بود و به سختی نفس می‌کشید، او را به بیمارستان منتقل کردیم اما مادرم فوت کرد. از آنجایی که مادرم ناراحتی قلبی داشت تصور می‌کردیم که سخته کرده است.

اما بعد از پایان مراسم ختم مادرم، متوجه شدیم طلاهای او به سرقت رفته و احتمال می‌دهیم مادرم قربانی سرقت طلاها یش شده باشد. با توجه به شکایت دختر جوان، تحقیقات آغاز شد و بررسی پرونده پزشکی پیرزن نشان می‌داد که آثار کبودی روی گردنش وجود دارد؛ آثاری که احتمال قتل را پررنگ‌تر می‌کرد.

این در حالی بود که تنها کسی که به خانه پیرزن رفت و آمد داشت، پرستارش بود. در ادامه بررسی‌ها یکی از همسایه‌ها سرخ اصلی برای کشف این جنایت را به دست مأموران داد و گفت: روز حادثه دختر جوانی را دیدم که هراسان از خانه پیرزن بیرون آمد، وقتی دقت کردم دیدم او دختر پرستارش است که گاهی برای دیدن مادرش و کمک به او در کارها به این خانه می‌آمد.

با مشخص شدن این موضوع، دستور بازداشت پرستار خانگی و دخترش فرانک، صادر شد اما آنها بعد از جنایت متواری شده بودند. تحقیقات برای دستگیری آنها ادامه داشت تا اینکه حدود دو سال بعد از قتل، مادر و دختر بازداشت شدند.

آنها ابتدا منکر جنایت بودند اما در نهایت تیر سال 1400 فرانک سکوت را شکست و به قتل پیرزن به خاطر سرقت النگوها یش اعتراف کرد. او گفت: مشکل مالی داشتم، وقتی که با مادرم به خانه پیرزن می‌رفتم، متوجه وضع مالی خوب او شدم. برق طلاهایش مرا به وسوسه

انداخت و تصمیم گرفتم آنها را سرقت کنم. آن روز برای پرستاری و انجام کارهای مقتول به خانه‌اش رفتم. حدود ساعت 10 صبح بود که مقتول برای برداشتن وسیله‌ای به سمت آشپزخانه رفت و من هم پشت سر او رفتم و می‌خواستم گردنبندش را سرقت کنم. وقتی او را هل دادم، پیرزن شروع به داد و فریاد کرد من هم دستم را روی دهان و گلویش گذاشتم تا صدایش را کسی نشنود. اما به خودم که آمدم متوجه شدم نیمه هوش است. طلاهایش را سرقت کرده و سراسیمه از خانه فرار کردم. طلاها را به قیمت 10 میلیون تومان به فروش رساندم.

با اعتراف دختر جوان به قتل و تکمیل تحقیقات، وی در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت. با توجه به درخواست اولیای دم و اعتراف او به قتل، قضات دادگاه حکم بر قصاص صادر کردند. با تأیید حکم در دیوان عالی کشور، پرونده برای اجرا به شعبه چهارم اجرای احکام دادرسی امور جنایی پایتخت ارجاع شد. در حالی که اسم دختر جوان در لیست اعدامی‌ها قرار گرفت با تلاش دادیار امین کرمانی‌نژاد و تیم صلح و سازش دادرسی جنایی، فرزندان پیرزن به خاطر شادی روح مادرشان و رضای خدا از قصاص فرانک گذشت کردند. با بخشش اولیای دم، پرونده برای صدور حکم از جنبه عمومی به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع خواهد شد.